

# جنگ عقاید

## در ایران ساسانی

ایرانیان با هوش و آگاه، در جستجوی حقیقت به چندین راه و چندین مکتب سرمی‌زنند و چون به حقیقت نمی‌رسند، سرانجام ناکام و ناامید در شک و حیرت بسر می‌برند

«اردشیر بابکان» خودمؤبدزاده بود و یاری مؤبدان به سلطنت رسید لذا بهر وسیله که بود دین نیاکان خود را در ایران انتشار داد. و چون پایه‌های حکومت و اصول سیاست ساسانیان نیز بر پشتیبانی مؤبدان قرار گرفته بود، آئین مزدیسنی و مؤبدان از طرف دربار شدت حمایت میشدند، بدین جهت روحانیان زردشتی، خاصه مؤبدان مؤبد در دربار نفوذی فراوان داشتند، بطوریکه آنان مقتدرترین طبقه‌ی ایران را تشکیل داده بودند.

نفوذ مؤبدان و هیربدان در امور کشوری بحدی بود که اگر یکی از سلاطین ساسانی از آنان اطاعت نمی‌کرد و از در مخالفت درمی‌آمد، مانع بزرگی بر

گریز مردم از مؤبدان  
هر کس بتاریخ ایران ساسانی می‌نگرد، می- خواهد سر این نکته را کشف کند و پاسخ این پرسش‌ها را بداند که: چرا در ایران ساسانی، اساسترین و حساسترین مسئله، موضوع دین شده است؟! چرا بر خلاف قرون گذشته، رمز و معمای این عصر بعثت پیامبران دروغین است؟! چرا در اوایل عهد ساسانی، نشئت و اختلاف دینی و تضاد آراء و ایده‌تولوژی‌های مختلف و متضاد در میان ایرانیان بیش از هر وقت دیگر بوده است؟!

البته میدانیم که دین رسمی ملت ایران در عهد ساسانیان، آئین زردشتی بود و چون سرسلسله ساسانیان

داشتند، حس نکنند .

فشار و اختیارات نامحدود مؤبدان، مردم را از آئین زردشتی گریزان می ساخت و توده مردم می-خواستند، دینی غیر از دین اشراف، برای خود بیابند. مؤلف «تاریخ اجتماعی ایران» می نویسد : «... ناچار مردم ایران از فشار مؤبدان... می گوشیدند که از زیر بار گران این ناملایمات خود را بیرون آوردند، بهمین جهت در مقابل طریقه رسمی «مزدیسنی زرتشتی» که مذهب دولت و دربار بود به آن «بهدین» میگفتند، دو طریقه ی دیگر در میان زرتشتیان، پیدا شده بود ...» (۳)

آری در نتیجه فشار و سختگیریهای اشراف و مؤبدان بود که در ایران ساسانی مذاهب مختلف یکی بعد از دیگری پیدا میشد .

«سعید نفیسی» پس از بحث مفصل درباره ی تفرقه جوئی های دینی جامعه ی ساسانی، سرانجام یاد آور می شود که : «ناگفته نماند که در دوره ساسانی، شماره طرُق، و فرق دینی که در ایران بوده اند؛ بمراتب پیش از آن چیز است که در کتابهای رایج هست و بیش از این ذکر آنها را آورده ام» (۴)

علاوه بر این که در آئین زرتشت خذف و اختلاف بسیار بود، این آئین در قلمرو حکومت ساسانی با ادیان و مذاهب و مکتبهای گوناگون روبرو بود، آئین حضرت عیسی و مذاهب «مندائیان» و «صائبان» از

سرداه فرمانروائی او میشدند و حتی در اینگونه موارد عزل پادشاه نیز بر آنان چندان دشوار نبود، بالاخره در آن زمان آتشکده یک کانون سیاسی بوده و بسا پشتیبانی طبقات اشراف و اعیان در سایر نقاط کشور تأثیراتی عمیق داشتند .

بدین جهت ساسانیان، برای تحکیم سلطنت خودشان از وجود مؤبدان بیشتر استفاده میکردند و در سرتاسر مملکت پهناور ایران، آتشکده های زیادی بنا شده بود و در آنها هزاران مؤبد جای داشتند . می گویند: خسرو پرویز آتشکده ای ساخت و ۱۲ هزار هیربد در آنجا گماشت که سرود مذهبی بخوانند. (۱) مؤبدان با پشتیبانی دولت در ترویج «دین زرتشتی» سیاست خشنی پیش گرفته بودند و به «زورשמشر» می خواستند آن را در بین مردم رواج دهند .

از «گرتیر» مؤبدان مؤبد زمان «شاپور اول»... سه کتیبه در «نقش رجب» و «سیرمشهد» و «کعبه ی زرتشت»، باقی است، و جزئیات اقداماتی را که به «زورشمشر» برای انتشار دین زرتشت در نواحی مختلف، بکار برده است بیان می کند» (۲) مؤبدان با تمام قدرت می گوشیدند که منافع زمامداران و نجبا و اشراف را حفظ کنند و بنحوی توده مردم و افراد زحمتکش جامعه را که کاملاً در محرومیت بسر می بردند؛ آرام نگه دارند و طوری نمایند که مردم بدبختیهای زیادی که در آن زمان

(۱) تاریخ تمدن ایران ساسانی ص ۱: سعید نفیسی

(۲) تاریخ اجتماعی ایران ج ۲ ص ۲۷

(۳) تاریخ اجتماعی ایران ج ۲ ص ۲۷

(۴) همان کتاب: ص ۴۷

از این رهگذر، سودی فراوان می‌بردند» (۷)  
مردم برای باده‌گساری به آتشکده‌ها روان میشدند،  
مغان سفیدپوش جلو آتش زمزمه میکردند مغ بچگان،  
سرود می‌خواندند. و جامهای باده دست به دست  
می‌گشته است. (۸)

پرواضح است پرستشگاهی که پرورشگاه افکار  
اجتماع می‌باشد آن روز که محل باده‌کهن شود چه  
کاری ساخته است؟ مؤبدان که رهبران افسراد  
اجتماع هستند باده فروش؟ و مردمیکه باید به  
پرستشگاه درآیند به پیشوائی آنان، به فضائل اخلاقی  
و محاسن اجتماعی آرایش یابند، باده نوشان ازدست  
مغ بچگان باشند؟! از چنین دستگاهی چه انتظاری  
می‌توان داشت؟ و سرانجام کار آن بکجا خواهد  
کشید؟

همچنین او آخر دوران ساسانی، آئین زردشتی  
کاملاً حقیقت خود را ازدست داده بی‌مغز میان‌تهی  
و سست و ضعیف شده بود، اصول و عقاید آن را بیشتر  
خرافات و افسانه‌ها تشکیل میدادند و در این دوره  
حقایق این آئین جای خود را بیک مشت شعائر بی‌بوج  
و بی‌روح و بیهوده‌ای داده بود که مؤبدان و هیربدان  
پیوسته برای تقویت خود بر تشریفات آن می‌افزودند.  
بطور کلی می‌توان گفت آئین زردشت؛ آلت دست  
مؤبدان شده بود، افسانه‌ها و خرافات دور از عقل و

جانب غرب، و آئین «برهمن» از جانب شرق آن‌را  
تهدید می‌کرد و فلسفه یونان و حکمت‌های علمی هندی  
و ایرانی بعضی خاطر‌ها را نگران میداشت و از این  
برخوردد که بین آراء و عقاید متضاد روی میداد  
اندیشه‌های تازه‌ای پدید می‌آمد و دلهای استوار  
ستی می‌گرفت. (۵)

\* \* \*

مؤبدان زردشتی در او آخر عهد ساسانی بفساد  
گرائیده بودند کتاب معروف پهلوی «مینیوگ‌خرد»  
که در همان زمان نوشته شده است دربارهٔ بدکاریهای  
مؤبدان چنین می‌نویسد: «اصل عیوب مؤبدان،  
ریاکاری، شهوت‌رانی، بی‌توجهی به وظایف دینی  
و اخلاقی و تن آسائی و خرده بینی و بدگرائی  
است» (۶)

طبق گفته مورخان، گروهی که بنام پیشوایان  
مذهبی، سمت رهبری و مقتدائی جامعه ایران را در  
دست گرفته بودند در منجلا ب فساد سقوط کرده،  
آتشکده را مرکز فحشا و داد و ستد شراب و باده قرار  
داده بودند. «ابن حوقل» می‌نویسد: مؤبدان آتشکده  
اصفهان - که یکی از آتشیهای جاوید بوده است -  
بهترین باده کهن و شراب سالخورده را اذانگور  
باغستانهای آتشکده، فراهم آورده و می‌فروختند و  
مردم، برای خرید باده کهن، بدانجا میرفتند و مؤبدان،

(۵) تاریخ ایران: زردین کوب: ص ۱۸۹

(۶) بنقل تاریخ ایران ص ۱۸۷

(۷) ابن حوقل یکی از جهانگردان و جغرافیادانان و تاریخ نویسان قرن چهارم هجری بوده است.

صورة الارض؛ القسم الثانی ص ۳۶۲، ۳۶۷ چاپ لیدن

(۸) اصفهان نصف جهان ص ۱۱۱

منطق به اندازه‌ای در این آئین راه یافته بود که حتی روحانیان را نیز نگران می‌ساخت، و درین مؤبدان هم کسانی بودند که از اول بسی مغزی شعائر و عقاید زردشتی را فهمیده بودند و از زیر بار آنها شانه‌خالی می‌کردند.

بدین ترتیب آئین زردشتی و رهبران مذهبی کاملاً موقعیت خود را در جامعه از دست داده بودند؛ درست است که شاید تا حدودی آئین زردشت می‌توانست چند صباحی در جامعه ایرانی دوام بیاورد ولیکن تاب و توان آن را نداشت که بتواند دستگاه عظیم و تشکیلات پوچ و موربانه خورده و از درون پوسیده و ملول پایان ساسانی را بسا خود بکشد، این خود انهدام دین فرسوده زردشتی را بیشتر تسریع می‌کرد.

خلاصه در عهد ساسانیان عوامل فساد و تباهی در ایران پدیدار گردیده و بیماریهای اجتماعی و مفاصد اخلاقی و انحطاط روحی، مانند بیماری سرطان در جامعه ایران پدید آمده بود. زیرا دین و آئین، که روح اجتماع و همانند مغز انسان است دستخوش تباهی و پریشانی گردیده بود، ایمان مردم سست و پایه‌های عقایدشان لغزیده بود؛ وحدت اندیشه و آرمان که بهترین میوه دین است جای خود را به پراکندگی و پریشان‌گویی و اختلاف و نفاق داده بود. با بروز این اختلافات و شیوع مذاهب گوناگون روح شک و تردید در بین طبقه روشنفکر ریشه دواینده و از آنان نیز رفته رفته بتوده مردم سرایت نمود، آن ایمان

قطعی و اعتقاد کامل که قبلاً حکمفرما بود، دیگر وجود نداشت و افراد فهمیده تعالیم زردشت را بنظر شک و تردید نگاه می‌کردند و حتی حکمت‌های علمی را بر آنها ترجیح میدادند چنانکه مقدمه «کلید و دهنه» که بی‌شک قسمتی از احوال روحانی و اخلاقی او اواخر عهد ساسانیان را روشن میکند، تصویر کاملی از جامعه گناه آلود و آکنده از جور و فساد آن زمان است. در شرح حالسی که «بروزی یه طبیب» از خود بیان میکند، می‌گوید: «همت و نهمت بر طلب علم دین مصروف می‌گردانیدم و الحق راه آن را درازویی پایان یافتم سراسر مخاوف و مضایق (۹) و آنگاه نه راهبری معین و نه شاهراهی پیدا... و خلاف میان اصحاب ملت‌ها هر چه ظاهر تر بعض بطریق ارت دست در شاخی ضعیف زده و طایفه از جهت متابعت پادشاهان و بیم جان پای برکتی لزران نهاده و جماعتی از بهر حطام دنیا و رفعت منزلت میان مردمان دل در پشتوان پوسیده بسته و تکیه بر استخوان توده‌یی کرده و اختلاف میان ایشان در معرفت خالق و ابتداء خلق و انتهای کاری نهایت، و رأی هر یک بر آن مقرر که من مصیبت و خصم من مبطل و مخطی (۱۰) با این فکر در بیابان تردید وحدت یک چندی بگشتم و در فرازونشیب آن لختی پوئیدم.

سپس بروزیه طبیب به سخنان خود ادامه می‌دهد: «البته نه راه بسوی مقصد بیرون توانستم برد و نه بر سمت راه حق دلیلی نشان یافتم بضرورت عزیمت مصمم گشت بر آنکه علماء هر صنف را بینیم و از

(۹) مخاوف و مضایق: «محل‌های پر خوف و خطر» و «تنگناها»

(۱۰) مخطی: خطا کار

این سخنان تصویر احوال روحانی این عصر ضعف و انحطاط است، عصری که در آن مؤبدان هیچ پیامی برای امید و نجات توده مردم نداشتند . آری گریز مردم از روحانیان خود کامه زردشتی و روی کرد به دینهای گوناگون و انشعابهای مختلف مذهبی در عصر ساسانی در حقیقت نشانه اینست که مردم با هوش ایران برای رسیدن بیک آرمان رضایتبخش پیوسته در تلاش بودند.

اصول و فروع معتقد ایشان استکشافی (۱۱) کتم و بکوشم تا بنیتی صادق و دلپذیر بدست آید. این اجتهاد بجای آوردن و شرایط بحث اندر آن بر عایت رسانیدم و هر طایفه‌یی که دیدم در ترجیح دین و تفضیل مذهب خویش سخنی میگفتند و گرد تقبیح ملت و نفی حجت مخالفان می گشتند بهیچ تأویل بر پی ایشان نتوانستم رفتن و درد خویش را درمان نیافتم و روشن شد که بنای سخن ایشان بر هوی بود و هیچ چیز نگشاد که ضمیر اهل خرد آن را قبول کردی...» (۱۲)

(۱۱) استکشاف: طلب کشف کردن

(۱۲) کلیله و دمنه با اهتمام عبدالعظیم قریب، چاپ چهارم ص ۲۹

## ضایعة اسفناك

يك سال ازوفات مرحوم آية الله آقای حاج سید علی علم الهدی در هشتادگذشت، قید سعید در سال ۱۳۱۲ قمری در نجف اشرف در خانواده روحانی «آل شهید» چشم به دنیا گشود .

فقید سعید مراتب عالی تحصیلی را با استفاده از حوزه درس اساتید بزرگ طی نمود و به درجه عالی اجتهاد نائل گردید و از محضر بزرگانی همچون مرحوم آية الله حاج شیخ مرتضی آشتیانی و مرحوم آية الله حاج آقا حسین قمی استفاده فراوان برد .

مرحوم علم الهدی کتابها و تالیفات متعددی در مباحث فقهی و اعتقادی و تاریخی از خود بیادگار گذاشت که حاکی از مقام علمی و فقهی ایشانست . آیت - الله علم الهدی در مدت عمر خود با حوادث ناگوار و مشکلات فراوانی مواجه گردید که به سلامت مزاج او لطمه شدیدی وارد کرد و سرانجام روز ۲۴ محرم ۱۳۹۴ قمری دیده از جهان فرو بست و در جوار ثامن الحجج علیه السلام مدفون گردید .

اکنون که يك سال از فوت آن مرحوم می گذرد علاقمندانی که از محضر علمی او استفاده می کردند، هنوز خاطره آن مرد بزرگ را فراموش نکرده اند . و متأسفیم که موقع وفات این مرد بزرگ، توفیق انعکاس این خبر - ناگوار و شرح حالات معظم له را در مجله نیافتیم و بدینوسیله جبران نموده و شادای روح همه خدمتگزاران عالم اسلام را از خداوند بزرگ خواهانیم .